

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: هوادار پورتال از استرلیا
شعر از: مرحوم "عبدالغفار نارس"
۳۰ مارچ ۲۰۱۵

هامون خون

مثنوی غرائی، که درین صفحه از نظر خوانندگان پورتال آزاده "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میگذرد، از طبع شاعری بس با احساس و با طبعی درخشان و وقاد در زمانی سروده شده است، که بعد از خروج خجالتبار قوای اهریمنی اشغالگر روس از وطن ما، تنظیمهای سرسپرده بیگانه به جان هم افتاده و وطن و خصوصاً چشم و چراغش، کابل محبوب ما، را به تل خاکستر و خاکدان خاک مبدل ساختند.

شاعر – مرحوم عبدالغفار متخلص به "نارس" – درین زمان در آوارگی و دربدری در پشاور بسر میبرد و از درد وطن خون میگریست. پارچه شعری، که خود شاعر آن را در صفحات دفتر یادداشتش به خط خوش و زیبایش قلمی کرده بود، از مدتها قبل در اختیار من قرار داشت و من این امانت گهربار را حیف میدانستم، در شوره زارهای مطبوعاتی نشر کنم. تا این که از برکت رهنمائی دوستان، چشمم به صفحات درخشان پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" روشن گردید. مرور دوامدار و روزمره این صفحه انترنتی، مانده آن بود که گمگشته خود را بازیافته باشم. تصمیم گرفتم، که اشعار کم مانند این شاعر دلسوخته فقید را که چون امانتی گرانبها در نزد خود نگه داشته بودم، زیب و زینت همین وبسایت بی مانند نموده و در معرض مطالعه وطنداران مردمدوست و وطنخواه خود قرار دهم.

هامون خون

وطنداران وطن را خون گرفته
جنون سر تا سر هامون گرفته
عموم خانه ها گردیده ویران
هزاران طفل و مادر گشته گریان
نمانده یک ستون در آستانی
نه انسانی نه مرغ نغمه خوانی

نوامیس وطن گـردیده پامال
 وپندار! تو میدانـی، که افغان
 ز پنج و شش هزار سالی که رفته
 به هر یک آزمون کامیاب بودیم
 نه اسکندر ازین خاک برده آبی
 به انگلستان که "سرتاج" جهان بود
 ز دست غـازیان شیر بی باک
 به روس ملحد و یار و رفیقش
 چنان کوبنده زد مـشتی، که کیهان
 کنون افغان به افغان جنگ دارد
 به تاراج وطن پاهـا برهنه
 مگر دانه که اینها نیست افغان
 به حیوان تشبـهش تو هین باشد
 وطن وحدت گرفت از دورِ بابا
 درین خـوشه بُود پوشیده رازی
 به این خـوشه تعمق لازم آید
 وپنداران به هر جایی که هستید
 ولاکـن برضد ظلم و جهالت
 نه مسلم دیده بود، نی کافر این حال
 همیشه مفتـخـر بوده به دوران
 هزاران حادثه بر ما گذشته
 به تاریخ زمان کامیاب بودیم
 نه چنگیز مغل را بُرده خوابی
 به مفتوحات وی خورشید عیان بود
 شکستِ مُدهشی دیده درین خاک
 به آنهائی، که بُد دائم شفیقش
 ندیده بُد چنین مـشتی به دندان
 برادر از برادر ننگ دارد
 به خون هموطن چون گرگ، تُشنه
 نه افغان و نه انسان و نه حیوان
 که حیوان را نه این سان کین باشد
 به خـوشه گندمی از دست دانا
 که از اهل خـورد دارد نیازی
 چنان کـه مشـت با انگشت باید
 خوشا بر حال تان کز جهل رستید
 کـزین بر دو جهان باشد خجالت

شوید یک مشت و یک بازوی مُحکم

که از وحدت شود پشتِ فلک خم

یادداشت پورتال:

از هوادار گرانقدری، که صفحات پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را برای نشر اشعار شاعر فقید و وطنپرست - مرحوم "عبدالغفار نارس" - برگزیده است، جهانی سپاس داریم. قابل یادآوری میدانیم، که فرستنده این پارچه، افغان و طندوستی ست، که از منتهای تواضع و شکسته نفسی نخواست هویت خود را فاش بسازد. هدف این ارجمند فقط خدمت به وطن و سپردن این امانت بزرگ ادبی - سیاسی به مردم عزیزش بوده است و همین که این امانت را توانسته، در کمال وفاداری به وپنداران

خود عرضه بدارد، رسالت خود را به وجه احسن انجام داده، پنداشته است. آرزومندیم، که این عزیز طبق وعده، اشعار دیگر شاعر فقید و شجاعی را، که از مدتهاست اسیر زندان خاک گردیده است، به پورتال شان فرستاده و دین بزرگ خود را اداء نماید.

شعر فاقد عنوان بود و عنوان "**هامون خون**" را از متن شعر استخراج کرده ایم. دو سه نکته تصحیح عروضی هم از طرف صفحه ادبی پورتال صورت گرفته، که امیدواریم مطابق با روحیه بی آلایش سراینده اش باشد.

روان پاک شاعر دلسوخته را قرین آرامش تمنا کرده و از فرستنده ارجمند، مجدداً تشکر میکنیم.

صفحه ادبی - فرهنگی پورتال